

مجوس یا مگوش

واژه مجوس که فارسی آن مگوش و لقب یکی از بزرگان ماد در زمان داریوش نیز بوده است از ریشه اوستایی «مگه» و به معنی بزرگ، پیشوا و دانشمند می باشد. این واژه به فارسی باستان «مژ» و به پهلوی و پازند «مس» و به فارسی امروزه «مه» که جمع آن مهان است درآمده.

واژه مغ بارها در اوستا از جمله هات ۲۹ بند ۱۱ و هات ۴۶ بند ۱۴ به شکل «مژومگو» آمده که مس مغ یا مغ بزرگ یا مس مغان بزرگترین مقام روحانیت یا بزرگترین انجمن مغان معنی کرده اند. بازدرهات ۵۱ بند ۱۵ به شکل «مگوییو» یعنی برای مغان یا برای انجمن مغان و درهات ۵۱ بند ۱۶ و هات ۵۳ بند ۷ به شکل «مگهیا» به معنی آئین مغ یا آئین زرتشتی ترجمه شده است.

در هنگام پیدایش اشوزرتشت و زمان تدوین گاتها مغان مانند دوره های سابق مقام پیشوایی دینی زرتشتی را به دست آورده و به نام «مغوبت یا مؤبد» خوانده شدند، همان مقامی را که «آتروانها» در میان زرتشتیان شرق ایران دارا بودند و به عنوان برگزارکنندگان کارهای دینی و مراسم مذهبی کیش زرتشتی شناخته می شدند. در زبان پهلوی مگوش را گاهی به شکل «مگوشیا» نیز نوشته اند که آنهم به معنی پیرو کیش زرتشتی است. در تورات و انجیل و قرآن هم مگوش به تلفظ اقوام سامی درآمده و مجوس گشته است.

مورخان و نویسندگان باستانی یونان و چین و روم و بطور کلی ارو پائیان قدیم پیوسته پیروان دین زرتشتی را Magian مگیان، Magoi مگوئی، Magus مگوس یا Mage ماژ خوانده اند. گرچه گاهی نویسندگان با شتابه مجوس را نام بنیان گذار دین ایران باستان یا مجوسی نیز نوشته اند. این نکته را هم باید یادآور شد که تاریخ نویسان قدیم همیشه مغان را از لحاظ عقل و فهم و درایت و هوش و علو مقام روحانی و محیط بودن بر دانشهای ماورا الطبیعه و راستی و پرهیزکاری در نوشته های خود ستوده و تعریف کرده اند، و انجام کارهای شگفت انگیزی به آنها نسبت داده اند که شبیه به معجزه یا جادوگری بوده است ازین روی در زبانهای اروپایی از جمله انگلیسی واژه Magic یعنی جادو و Magician به معنی جادوگر است. از طرف دیگر Magnify بزرگ کردن و His-Majesty عظیم الشان، سرور، اعلیحضرت یا حضرتعالی از ریشه مغ گرفته شده است.

این گونه معانی متفاوت درباره مغ باعث گردید که عده ای از نویسندگان اروپایی زرتشت پیامبر مغان را جادوگر و ساحر نامند که در رد این بیانات توهین آمیز، دانشمند نامی وو. ب هنینگ کتابی بنام «زرتشت

سیاستمدار یا جادوگر؟» بنویسد و خلاف عقیده قدما را درباره اشوزرتشت پیامبر ایرانی با دلایل روشن ثابت نماید. این کتاب را آقای کامران فانی اخیراً به فارسی ترجمه کرده است.^۱

شعرا و نویسندگان ما نیز پیر مغان یا پیر میکرده را داندۀ اسرار الهی و رموز ازلی و رهبر واقعی به سوی معرفت و حقیقت می شناسند. از جمله حافظ گوید:

آنروز بر دل من در معنی گشاده شد
بندۀ پیر مغانم که ز جهلم برهاند
مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ
از آن بدیر مغانم عزیز می دارند
کیمیائیست عجب بندگی پیر مغان
دوستان وقت گل آن به که بعشرت کوشیم
از آستان پیر مغان سر چرا کشم؟
در خرابات مغان نور خدا می بینم
حافظ جناب پیر مغان مأمن و فاست
شستشویی کن وانگه بخرابات دری
ز کوی مغان رو مگردان که آنجا
حافظ تو برو بندگی پیر مغان کن
بسیاغ تازه کن آئین و دین زرتشتی

مجوس در تورات — در قاموس کتاب مقدس راجع به کلمه مجوس چنین آمده است:

«مجوس لفظی است کلدانی یا میدی که به معنی کهنه یا پیشوا است و خادمان دین زرتشت را نیز مجوس می گفتند. آنان لباس مخصوصی می پوشیدند و از جمله تکالیف ایشان نگهداری دائمی آتش در آتشکده ها بود. ایشان علماً و دانشمندان قوم پارس بوده و فلسفه و هیئت و ریاضی و علوم دیگر را تعلیم می دادند.»

در کتاب پرمیا فصل ۳۹ و کتاب دانیال فصل یکم آمده: «مجوسان به حکمت و دانشمندی ستوده شده اند.»

مجوس در انجیل — در انجیل بیش از تورات به مجوسان اهمیت داده شده و بنا به باب دوم انجیل

متی «آنان نخستین کسانی بودند که به راهنمایی ستاره ای در شرق برولدت مسیح آگاهی یافته و به زیارت او نائل آمدند.»

در قاموس کتاب مقدس آمده «از قرار حکایت انجیل متی چنین معلوم می شود که مجوسان در زمان ولادت مسیح از لحاظ دانش و علوم، دارای اهمیت زیاد بوده و بعداً جشن ظهور مسیح بیادگار آمدن این مجوسان به زیارت عیسی رعایت گردید. بنا به سنت مسیحی اسامی این سه مجوسان در کتب مقدس ایرانی بیادگار مانده و طبق کتاب کلدائیکم از سمت شرق این مغان ایرانی در عید ظهور مسیح طلا و مُر و کندر هدیه آوردند و خدا ستاره ای را پارس فرستاد و مغانرا بخواند و سه تن مغ باوقار که پسران پادشاه بودند و زرتشت پیغمبر

1- Zoroaster, Politician or Witch-Doctor by Hening, 1951.

ایشان بود خزانه های خویش را گشوده و هدایای خود را تقدیم مسیح کردند.

مجوس در قرآن - در قرآن مجید نیز کلمه مجوس در سوره حج آیه ۱۷ بقرار زیر ذکر شده است:

«ان الذين آمنوا والذين هادوا والنجاري والصابئين والمجوس والذين اشركوا ان الله يقضل بينهم يوم القيمة ان الله على كل شئ شهيده» یعنی همانا خداوند در روز رستاخیز میان کسانی که به اسلام گرویدند و آنهاییکه یهودی و نصرانی و صابئی و مجوس ماندند و کسانی که به شرک گرویدند فرق می گذارد و خدا بر هر کاری تواناست». ازین آیه چنین معلوم می شود که قرآن قوم مجوس را اهل کتاب دانسته و این طایفه را بایهود و نصارا (مسیحی) که از اُمم خداپرست و دارای احکام و شریعت مُتقنی بودند در یک ردیف آورده و آنانرا از مشرکین جدا کرده است. در کتب سنت و اخبار نیز احادیثی پیرامون واژه مجوس رسیده است از جمله در کتاب بحارالانوار مجلسی چنین آمده است: «روزی علی (ع) بر منبر فرمود: پیش از آنکه مرا نیابید از من پرسش کنید، پس اشعث بن قیس برخاسته گفت: ای امیرالمومنین چگونه است که از مجوس جزیه می گیرند و مانند اهل کتاب با ایشان رفتار می کنند، علی (ع) جواب داد که بر ایشان کتابی نازل شده و بر آنان پیغمبری هم مبعوث گردیده است.»^۱

حدیث دیگر «یکی از اصحاب از اباعبدالله علیه السلام راجع به مجوس سؤال کرد که آیا ایشان را پیغمبری بوده است؟ گفت آری مگر نشنیده ای نامه پیغمبر (ص) را به اهل مکه که در آن نوشته بود من جز از اهل کتاب جزیه نگیرم و مجوس را پیغمبری بوده است که او را بکشتند و کتابی آورده که بر دوازده هزار پوست گاو نوشته شده بود.»^۱

باید دانست که دین زرتشتی پیش از اسلام در عربستان نفوذ کرده بود چنانکه در حدیث اطلاق النفسیه آمده است: «بعضی از قبایل عرب مجوسی بوده اند و مجوسیت در قبیله تمیم راه یافته بود و از ایشان (زرارة بن عدسی) و پسرش مجوسی بودند و «ابوسود» نیز مجوسی بوده و قبیله قریش مذهب زندقه (پیرو مانی) را از اهل حیره فرا گرفته بودند.

باز حکایتی است از حضرت صادق (ع) که زندیقی از او پرسید که آیا طایفه مجوس را پیغمبری بوده است یا نه؟ زیرا من از ایشان کتابهای حکمت آمیزی دیده ام که در آن اندرزهایی بلیغ و امثالی مفید درج بوده و از ثواب و عقاب حکایت می کرد و همچنین ایشان را دین و شریعتی است که بدان رفتار می کنند. پس امام علیه السلام فرمود که هیچ اُمتی نیست که در میان آنان از جانب خدا پیغمبری مبعوث نشده است. پرسید که پیغمبر آنان که بوده است؟ امام علیه السلام فرمود «زرتشت پیغمبر ایشان بوده و کتاب زمزمه (اوستا) را آورد و دعوی نبوت کرد و گروهی به وی گرویدند.»

ایضاً در کتاب سفینه بحار مجلسی آمده است: که عرب در جاهلیت به دین حنیف نزدیکتر از کیش مجوس بودند و از مجوس در صدر اسلام جزیه می گرفتند زیرا پیغمبر (ص) فرموده بود که با آنها به سنت اهل کتاب رفتار نمایند چه ایشانرا پیغمبری بوده است که او را بکشتند و کتابی داشته که آنرا بسوزانیدند. حدیث دیگر: «حکایت کرد ابوعاصم که گفت جعفر بن محمد را در مکه دیدم، او را گفتم ای پسر پیغمبر خدا، مرا حدیثی گوی، گفت از پدرم شنیدم که روزی عمر بن خطاب می گفت از پیغمبر (ص) شنیدم که درباره

۱- رجوع شود به کتاب دینکرد صفحه ۱۳۶ نوشته دکتر محمد جواد مشکور.

جزیه گرفتن از مجوس فرمود: همان روشی را که درباره اهل کتاب مرعی می دارید درباره ایشان نیز مرعی دارید.»

از آیه و احادیث بالا معلوم می شود که اطلاعات عرب صدر اسلام راجع به دین زرتشت و ایرانیان پیش از اسلام بسیار مجمل و ناقص بوده و بطور کلی همه مذاهب متداول ایران آن دوره را اعم از زرتشتی، مانوی، مزدکی، مهری، ناهیدی، زروانی، کیومرثی، هوشنگی و غیره را بدون پژوهش و تحقیق به شیوه تورات و انجیل، مجوسی خوانده ولی رویهمرفته می رساند که با وجود آگاهی کمی که اعراب به دین ایرانی داشته اند باز از عظمت و استواری بنیان دین زرتشتی غافل نبودند و خواه ناخواه ایرانیان زرتشتی را دارای پیغمبر و اهل کتاب شناخته و همان رفتاری را که از لحاظ مذهبی با یهودیان و مسیحیان می کردند با ایشان نیز مرعی می داشتند با این تفاوت که در قرآن هیچگاه از مجوسان بدگویی نشده و آنانرا از دشمنان اسلام نمی داند.

رفع جزیه از زرتشتیان - به طوری که همکیشان گرامی آگاهی دارند رسم جزیه گرفتن از زرتشتیان در تمام دوره های سلاطین جبّار و شاهان ستمگر و طاغوتی با جبر و زور و حتی مضاعف ادامه داشت تا زمان ناصرالدین شاه که پارسیان هند به کوشش نماینده خود مانک جی هوشنگ هاتریا در دربار ایران، پرداخت جزیه زرتشتیان ایرانی را تقبل و با صدور فرمان مشروطیت این رسم سلطه گری بر زیردستان در ایران برافتاد.

امید است روزی برسد که هرگونه تعصب اعم از نژادی و مذهبی و ملی از جهان رخت بر بندد و همه بندگان خدا یکسان در سایه حکومت عدل و داد و برادری و برابری زندگی کنند - ایدون باد.